

خپلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۲ جون ۲۰۲۱

فریده نوری

افغانستان

قندهار در دام طالبان

قسمت اول

در حالیکه قوای خارجی افغانستان را ترک می کنند، طالبان با حملات بالای قندهار، که گهواره تاریخی حرکت های اسلامی در جنوب افغانستان می باشد، به فتوحات خود می افزایند.

به بسیار سختی از موقعیت های شان از برکت حملات هوایی بیرون رانده شدند، لاکن در همه جا از خود به هزاران هزار ماین و دام های انفجاری گذاشته اند. مردم غیر از فرار هیچ انتخاب دیگر ندارند.

فرستنده خاص مجله فیگارو (Figaro Magazine) در ساحه

Margaux Benn (texte) et Andrew Quilty (photos)

تاریخ: چهارم جون ۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

طالبان قریه ها را محاصره و اشغال می کنند، و با گذاشتن مواد منفجره در اطاق های اطفال، آن ها را قربانی میکنند.

کودکان در این دوزخ جنگ قربانی های بی گناه اند.

تذکره چرک و چنل و خون پُر بالای یک چپرکت که زیادتر به میز شباهت داشت، گذاشته شد: شفاخانه از زخمی ها و قربانی ها مملو شده است. داکتر به دُور، ران پای بی حرکت طفل یک بنداز را می پیچاند، باوجودی که طفل مرده است. بعد از آن که از حمله و بمباردمان طالبان، باشندگان خانه ها همه فرار کردند، نبی احمد، هشت ساله کاکای خود را در قریه شان برای به دست آوردن یک تعداد از اموال شان همراهی کرد، در ابتدا عاجزانه معطل شد، بالاخره به اطاق خود داخل شد و بیخبر از این که اطاقش ماین گذاری شده است، به جست و جوی کرتی خود که آن را دوست داشت، پرداخت.



به این ستراتیژی جدید طالبان دقت کنید: مخفی کردن مواد منفجره در اطاق های اطفال.

در شفاخانه، پدر نبی احمد در یک گوشه ایستاده است، داکتر باوجودی که می داند طفل مرده است، طفل را شور می دهد، کاکایش دست خود را بالای سر طفل گذاشته است، و با انگشتان خود گوشه روجایی را که طفل را پوشانده بود تیله کرد و همانجا ایستاده

شد، یک دستش بالای پیشانی طفل، و با دست دیگرش با تلفونش پیشانی خود را فشار می داد.

با وجود داد و فریاد که از هر گوشه شنیده می شد، صدای مادر نبی احمد از آن طرف لین تلفون شنیده می شد، آنقدر درد آور بود که با شنیدن آن نرس که می خواست دست کاکایش را پس بزند و طفل را در یک کاغذ زرورق ببیچاند، در جایش یخ زده شد. یک ثانیه گذشت و وقت برای دل سوختاندن و رحم نمودن بالای فامیلش که کاملاً زیر بار غم خورد و خمیر شده بودند، کمبودی می کرد. زخمی های دیگر رسیدند که هنوز زنده بودند و احتمال نجات شان موجود بود، باید زود اقدام کرد.

مملو شدن یک شفاخانه از زخمی ها و قربانی ها:

نرس، پدر طفل و کاکایش و جنازه از باغ شفاخانه از بین سبزه و گل می گذرد، در زیر سایه یک درخت انار فامیل ها در این دیکور میان بهشت و جهنم چای می نوشند. یک پسر جوان در یک بوتل پلاستیکی گل گلاب را آب می دهد، هر کس می کوشد تا آرام بخش روان هم دیگر در این فضای غمگین که با فریاد همراه است، شوند.

در بین راه یک شخص پیدا شد و یک خریطه را بالای تذکره که میت طفل را می برد، گذاشت. پدر نبی احمد چشم هایش را پایان انداخت، نگاه او به خریطه متمرکز شد، در بین آن یک دست، دست چپ پسرش بود، دیگر هیچ کس به آن متوجه نشد. زیرا جنازه به سرعت یک مسابقه در حرکت بود.

زیرا دیگر میت ها، که عبارت بودند از کودکان دیگر، مردمان ملکی، پولیس ها، پیر ها و اشخاصی که کاملاً شناخته نمی شدند، نیز باید برده شوند.

میت های بدون نام، قربانی هائی که آن ها به نام شهدا یاد می کنند، غافل از این که آن ها این را نمی خواستند و می خواستند زندگی کنند، و یا اطفال که آرزو داشتند به بازی های طفلانه خود با کرتی ای که دوست داشتند ادامه بدهند.

در سرد خانه محل نگهداری اجساد، باز هم کفن زوروقی طفل را پس کردند و به داخل حجره یا سلول یخ خانه گذاشتند.

در بیرون، پسان تر، پدرش مثل یک پوش خالی و یا یک لاک خالی متزلزل و نا استوار تکان می خورد، جسم کاکایش دیگر تاب مقاومت را نداشت و به زمین افتاد، و سر دو پا در بالای یک جویچه که در آن آب های کثیف جریان داشت، شروع به گریه کرد، گریه سیل آسا، فکر می شد که با اشک هایش همه جا را زیر آب می کند.

تعداد بیشماری زخمی ها در شفاخانه میوند که در پایتخت ولایتی قندهار موقعیت دارد، سرازیر شد، که همه آن ها از ولسوالی ارغنداب می آمدند.

در اخیر سال ۲۰۲۰ میلادی در اثنای یک سلسله حملات، طالبان ولسوالی ارغنداب و محلات دورادور را اشغال نمودند. اکثریت باشندگان آن فرار کردند، و به صورت فوری برای خود در دشت پناه گاه اعمار نمودند.

بعداً در ماه اپریل، یک عملیات مشترک اردوی ملی و قوای امریکایی ها دوباره طالبان را از ارغنداب بیرون کردند. و این یک موفقیت ظاهری برای دولت افغانستان.....

مگر شورشیان هزاران دام از خود بر جا گذاشتند: ماین ها و مواد انفجاری در سرک ها گذاشتند، و هم مواد بیشمار منفجره را در خانه ها، باغ ها و در کشتزار ها پنهان نمودند.

ارغنداب یک زمین بزرگ ماین گذاری شده می باشد. در تمام مملکت و در چهل سال جنگ به این اندازه تراکم ماین و مواد انفجاری کاملاً بی سابقه است. قرار راجستر شفاخانه، اکثریت مراجعین از سه روز به این طرف همه شان زخمی های جنگ و قربانی موادی منفجره هستند.

ادامه دارد...